

Unit 30

صورتحساب

صورتحساب بیانییه ای است که پول بدهی کالا یا خدمات می گیرد.
من آنقدر قبض دارم که نمی دانم چگونه همه آنها را پرداخت کنم.

مرز

مرز خطی است که یک منطقه از زمین متوقف می شود و منطقه دیگر آغاز می شود.
این حصار مرز بین حیاط ما و شما را نشان می دهد.

آشوب

هرج و مرج وضعیتی است گیج کننده و مرتب نیست.
ارائه وی در هرج و مرج بود. من نمی توانستم منظور او را بفهمم.

استوار

اگر فردی ثابت قدم باشد ، همان رفتار یا نگرش را حفظ می کند.
سارا هر روز وارد می شود و ثابت قدم ترین کارگر ما است.

طوفان

طوفانی بزرگ همراه با باران شدید و وزش باد است که به صورت دایره ای می چرخد.
صدها خانه در اثر طوفان آسیب دیدند.

محکوم به فنا

اگر کسی یا چیزی محکوم به فنا شود ، قرار است شکست بخورد یا نابود شود.
از آنجا که من تمام پولم را خرج کردم ، قرار ملاقاتم با جین محکوم است.

وارث

وارث شخصی است که پول یا دارایی شخصی را که می میرد دریافت می کند.
شاهزاده خانم وارث تاج و تخت پادشاه و ملکه بود.

رزمی

اگر چیزی رزمی باشد ، مربوط به جنگ یا جنگ است.
کاراته یک ورزش رزمی است که سالها پیش در ژاپن آغاز شد.

طبیعی

اگر غذا طبیعی باشد ، بدون افزودن مواد شیمیایی به آن رشد می کند.
هویج های طبیعی گران ترند اما برای شما بهتر هستند.

طیور

طیور پرنده ای مانند مرغ است که برای گوشت و تخم مرغ استفاده می شود.
او مرغ پرورش می دهد و گوشت آنها را با پول اضافی می فروشد.

تقلا کردن

تقلا یعنی حرکت سریع و ناامیدانه به جایی.

کوهنوردان در کنار تپه تقلا کردند.

گروه‌بان

گروه‌بان یک سرباز یا افسر پلیس با درجه متوسط است. وی پس از یک سال حضور در ارتش به درجه گروه‌بانی ارتقا یافت.

خالص، ناب

اگر چیزی را محض توصیف کنید، کامل و بسیار قوی است. من از فداکاری محض او در آهسته دویدن تحت تأثیر قرار گرفتم.

حالت

موضع گیری نگرشی در مورد موضوعی است که شخصی به وضوح بیان می کند. موضع من این است که استفاده از نفت و گاز برای محیط زیست مضر است.

تلگراف

تلگراف نوعی ارسال پیام الکتریکی روی سیم است. در دهه 1900، تلگراف سریعترین راه برای ارسال پیام بود.

منسوجات

منسوج پارچه ای است که بافته یا بافته شده باشد قرار بود از منسوجات آبی برای ساخت بلوز استفاده شود. گردباد

گردباد یک شکل لوله ای شکل از هوا است که خیلی سریع می چرخد. در هنگام گردباد، امن ترین مکان در زیر زمین است. توفان طوفان گردباد گرمسیری بزرگی است که به صورت دایره وار حرکت می کند هزاران نفر پس از برخورد توفان به استرالیا، برق خود را از دست دادند. ناله کردن

زار زدن نشان دادن اندوه با گریه بلند است. کودک گرسنه بود ناله کرد.

جا رختی

کمد لباس مجموعه ای از تمام لباس های یک شخص است. او برای گسترش کمد لباس خود چند لباس جدید خریده است.

وراث

مارتین، پل و تام با هم برادر بودند. آنها بسیار متفاوت بودند، اما در مورد دو چیز ثابت بودند. آنها نتوانستند در تجارت موفق شوند و هرگز در مورد هر چیزی توافق نکردند. مارتین یک کشاورز سخت کوش بود، سبزیجات ارگانیک پرورش می داد و طیور پرورش می داد. اما او بی نظم بود و فراموش کرد که قبض های خود را پرداخت کند. پل صاحب یک کارخانه نساجی بود که لباس تولید می کرد. او منظم بود، اما حرص می خورد و بیش از حد لباس می پوشید. کمد لباسش پر از محصولات خودش بود. تام زمانی در ارتش گروه‌بان بود. او مدرسه هنرهای رزمی را اداره می کرد، اما موضع او در زمینه نظم بیش از حد قوی بود. او تقریباً هیچ دانش آموزی نداشت.

یک روز، آنها تلگرافی دریافت کردند که پدرشان فوت کرده است. آنها وارث مزرعه قدیمی او بودند. آنها قصد داشتند هر چه زودتر آن را بفروشند، بنابراین با وجود طوفان وحشتناک به دیدن آن رفتند. خانه عالی به نظر نمی رسید، اما زمین زیادی وجود داشت. در واقع چیزهای زیادی وجود داشت که آنها به سختی می توانستند مرز آن را ببینند.

ناگهان طوفان بدتر شد. تقریباً شدت باد آنها را از پا درآورد. مارتین گفت، "ببین، این یک توفان گرمسیری است!" پل گفت،

"نه ، این یک طوفان است." تام گفت ، " نه ، این یک گردباد است!" آنها با هم مشاجره کردند تا اینکه پل شروع به زاری کرد و گفت: "هرچه باشد ، درست به ما می رسد! ما محکوم به فنا هستیم!" سه برادر داخل خانه قدیمی رفتند. مارتین گفت: "اگر زنده بمانیم ، باید جنگ را متوقف کنیم. اگر این مزرعه را درست کنیم می تواند عالی باشد. با سخت کوشی من ، سازمان پل و نظم تام ، ما می توانیم یک تجارت عالی را با هم اداره کنیم!" سرانجام طوفان پایان یافت. و خوشبختانه مزرعه را خراب نکرد.

مارتین گفت: "فقط فکر کن ، هرج و مرج یک طوفان طول کشید تا ما را جمع کند." پل جواب داد ، "منظورتان این است که یک طوفان ما را دور هم جمع کرده است." تام گفت: "مگر من به هر دوی شما نگفتم که گردباد است؟" برادران هرگز در مورد نوع طوفان توافق نکردند ، اما با ترکیب مهارت های خود ، یک مزرعه موفق ایجاد کردند.